

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

Doi: 10.22067/62725

از نوازش تا نوازه: نگاهی به مفهوم نوازیدن در آموزش زبان دوم

رضا پیش‌قدم (استاد گروه زبان و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

pishghadam@ferdowsi.um.ac.ir

المیرا فرخنده‌فال (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

e.farkhondehfal@gmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت عوامل هیجانی و عاطفی در تدریس به‌ویژه تدریس زبان دوم، در این پژوهش کوشیدیم مفهوم نوازیدن (نوازش و نوازه) را بررسی کنیم. نیاز عاطفی انسان به نوازش فیزیکی در کودکی، در بزرگسالی بیشتر شکل نوازه معنوی و عاطفی به‌خود می‌گیرد. نوازه به معنی دیده‌شدن و به رسمیت شناختن ارزش‌های افراد است. در این پژوهش، ابتدا مفهوم نوازه را در روان‌شناسی و سپس در آموزش زبان دوم تبیین کردیم. آنگاه ضمن معرفی جدید انواع نوازه‌گر و نوازه‌شونده به *افراطی*، *تفریطی* و *معتدل*، کاربرد آن‌ها را در آموزش زبان نشان دادیم. زمانی که معلم با میزان نوازه‌گری خود و نوازه‌شوندگی شاگردان آشنایی نداشته باشد، تعامل مؤثر بین معلم و شاگرد حاصل نمی‌شود و حس ناراحتی ایجاد شده، ممکن است باعث از بین رفتن انگیزه مشارکت و یادگیری شاگردان شود. در پایان، ضمن تبیین کاستی‌های احتمالی این تقسیم‌بندی، پیشنهادهایی را برای انجام پژوهش‌های بیشتر ذکر کردیم.

کلیدواژه‌ها: نوازیدن، نوازه، نوازش، نوازه‌گر، نوازه‌شونده

۱. مقدمه

در هرآموزش موفق عوامل زیادی دخیلند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ایجاد انگیزه در میان شاگردان است. بی‌شک انگیزه موتور محرک یادگیری و موفقیت تحصیلی است. پژوهش‌های زیادی (درنیه، ۲۰۱۵) انجام شده که همگی نشان می‌دهند انگیزه بالا باعث موفقیت و رشد شاگردان می‌شود. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث افزایش انگیزه می‌شود، *نوازه*^۱ نام دارد

1. Stroke

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

(پیش‌قدم و خواجه‌ی، ۲۰۱۴). نوازه به مفهوم دیدن و توجه کردن به افراد است (برن، ۱۹۸۸). زمانی که شاگردان احساس کنند معلم نام آن‌ها را می‌داند، به چشمان آن‌ها نگاه می‌کند و به حضور و عدم حضور آن‌ها توجه دارد، حس مثبت و خوبی پیدا می‌کنند که این خود باعث ایجاد انگیزه بیشتر برای شرکت در کلاس و در نتیجه یادگیری بیشتر خواهد بود.

در این پژوهش، برگرفته از فعل نوازیدن و با تأکید بر معنی نوازش و مهربانی کردن آن، برای اولین بار از «نوازه» استفاده کردیم تا آن را از واژه نوازش که به مؤلفه‌های فیزیکی اشاره دارد، جدا نموده و توجه را بیشتر معطوف به مفهوم معنوی آن کنیم. برای توضیح بیشتر، ذکر این نکته ضروری است که از میان حواس پنج‌گانه اولین حسی که در انسان شکل می‌گیرد، لامسه است (کلاسن، ۱۹۹۳). این حس (لامسه) که بیشتر بدن را در بر می‌گیرد، افزون بر کارکرد طبیعی خود، انتقال‌دهنده احساسات و هیجانات از طریق نوازش با تماس فیزیکی بدن نیز هست. احساسات مثبت و منفی از طریق در آغوش گرفتن، دست‌دادن، بوسیدن، نیشگون گرفتن، زدن و غیره منتقل می‌شود. ما می‌توانیم حس دوست‌داشتن، بی‌تفاوتی و نفرت را از طریق حس لامسه به راحتی به دیگران منتقل کنیم. پس از دوران کودکی که در آن نوازش فیزیکی به وفور انجام می‌شود، به نظر می‌رسد در دوران بزرگسالی، نوازش فیزیکی کمتر شده و نیاز به نوازش معنوی و عاطفی، یعنی نوازه، بیشتر می‌شود.

در هر تعامل دو سوی نوازیدن وجود دارد: *نوازه‌گر*^۱ و *نوازه‌شونده*^۲. زمانی که ارتباط نوازه‌ای این دو مناسب و بجا باشد، تعامل موفق و مؤثر خواهد بود. از آنجایی که کلاس درس زبان دوم محل تعاملات زبانی زیاد معلم-شاگرد و شاگرد-شاگرد است، نوازه نقش بسزایی در تدریس و یادگیری ایفا می‌کند. بنابراین، با توجه به اهمیت نوازه در زندگی و آموزش، در این پژوهش می‌کوشیم ضمن تشریح آن، به تقسیم‌بندی جدیدی از نوازه بپردازیم. در حقیقت، تلاش داریم مفهوم نوازه‌گر و نوازه‌شونده را تبیین کرده و کاربرد آن را در آموزش (زبان دوم) نشان دهیم. از همین رو، ابتدا به کنکاش مفهوم نوازه در روان‌شناسی می‌پردازیم، سپس آن را

1. Stroker

2. Strokee

در آموزش زبان دوم بررسی می‌کنیم و در پایان، ضمن معرفی تقسیم‌بندی جدید نوازه‌گر و نوازه‌شونده، کاربرد آن را در آموزش تشریح می‌کنیم.

۲. نوازه در روان‌شناسی

یکی از اصلی‌ترین رویکردها در بررسی روابط میان‌فردی، تحلیل رفتار متقابل^۱ است. این رویکرد را اولین بار اریک برن در دهه ۱۹۶۰ معرفی کرد. تحلیل رفتار متقابل نظریه‌ای شخصیت‌یست که به طور اصولی و نظام‌مند به تغییرات و رشد شخصی می‌پردازد (استوارت و جوینز، ۱۹۸۷، ص. ۳). این رویکرد به‌طور گسترده در روان‌شناسی، آموزش و سایر عرصه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. از اصلی‌ترین مفاهیم رویکرد تحلیل رفتار متقابل می‌توان به حالت‌های «من»، موضع‌های زندگی، سناریوهای زندگی، ساختار زمانی، تبادل‌های میان افراد و نهایتاً، یکی از مهم‌ترین این مفاهیم به‌نام نوازه اشاره کرد (برن، ۱۹۸۸). نوازه به‌معنی درک حضور دیگران و به‌رسمیت‌شناختن ارزش‌های آن‌هاست (شیرای، ۲۰۰۶). نوازه‌ها ارتباطات میان فردی قابل مشاهده‌ای هستند که نیاز احساسی هر فرد به دیده‌شدن و به رسمیت شناخته شدن را برآورده می‌کنند. برن (۱۹۸۸) این نیاز انسان به دیده‌شدن را *اشتیاق به به‌رسمیت شناخته شدن*^۲ نام‌گذاری کرده است.

انواع نوازه عبارت‌اند از: مثبت^۳ یا منفی^۴، شرطی^۵ یا غیرشرطی^۶، گفتاری^۷ یا غیرگفتاری^۸. نوازه مثبت نوازه‌ایست که باعث ایجاد حس رضایت و خوشحالی در افراد و نوازه منفی باعث ایجاد حس عدم رضایت یا حتی ناراحتی در افراد می‌شود. نوازه شرطی، همان‌طور که از اسمش پیداست، مربوط به حالت یا کاریست که افراد انجام می‌دهند و نوازه غیرشرطی نوازه‌ایست که به خود افراد مربوط می‌شود نه عملشان. نوازه گفتاری می‌تواند یک احوال‌پرسی کوتاه یا حتی برقراری مکالمه‌های طولانی با افراد باشد و نوازه غیرگفتاری می‌تواند با یک

1. Transactional analysis
2. Recognition hunger
3. Positive stroke
4. Negative stroke
5. Conditional stroke
6. Unconditional stroke
7. Verbal stroke
8. Non-verbal stroke

لیخند، سر تکان دادن، نگاه در چشمان افراد و غیره انجام شود (استوارت و جوینز، ۱۹۸۷). بارو (۲۰۰۷) بر این باور است که نوازه‌ها میان افراد به صورت مداوم و ناخودآگاه رد و بدل می‌شوند. طبق گفته استوارت و جوینز (۱۹۸۷)، اگر افراد نوازه مثبت دریافت نکنند در جستجوی دریافت نوازه منفی خواهند بود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که دریافت یا دادن هر نوع نوازه‌ای از دریافت نکردن یا ندادن نوازه بهتر است. برای تفهیم بهتر انواع نوازه، استوارت و جوینز (۱۹۸۷، ص. ۷۴) نمونه‌هایی از انواع نوازه را بدین گونه (جدول ۱) ارائه داده‌اند:

جدول ۱. انواع نوازه

نوع نوازه	مثال
نوازه مثبت شرطی	«کار جالبی انجام دادی.»
نوازه مثبت غیرشرطی	«تو برای معاشرت بسیار دوست‌داشتنی هستی.»
نوازه منفی شرطی	«وقتی آن جوراب‌ها را می‌پوشی اصلاً دوست ندارم.»
نوازه منفی غیرشرطی	«من از تو متنفرم.»

افزون بر این، فرانسیس و وودکاک (۱۹۹۶) بر رابطه مستقیم نوازه و انگیزه نیز تأکید داشته و اظهار داشتند که ایجاد انگیزه در دیگران به دو روش تقویت مثبت و تقویت منفی صورت می‌گیرد. تقویت مثبت عبارت است از نوازیدن مثبت که باعث تقویت رفتار مثبت می‌شود. تقویت منفی نیز بر اساس نوازیدن منفی صورت می‌گیرد که خود باعث کاهش خطا از طریق تحریک افراد در جهت بهبود عملکرد آنها می‌باشد. در واقع، «نوازیدن سبب تقویت رفتاری است که نوازیده شده» (استوارت و جوینز، ۱۹۸۷، ص. ۷۴). همچنین، استوارت و جوینز (۱۹۸۷) اشاره می‌کنند که ما به عنوان افراد بالغ و بزرگسال هنوز مانند نوزادی که نیاز اولیه‌اش لمس شدن، نوازش شدن و در آغوش گرفته شدن است، در جستجوی تماس جسمی هستیم، اما به مرور می‌آموزیم که شکل‌های دیگر درک حضور و به رسمیت شناخته شدن را جایگزین

تماس جسمی کنیم. یک لبخند، تعریف و تمجید یا حتی احم، نشان دهنده به رسمیت شناخته شدن و درک حضور ماست.

۳. نوازه در مطالعات زبان دوم

همان‌طور که می‌دانیم، روابط میان معلم و شاگردان در محیط‌های آموزشی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بهترین یادگیری در محیط‌هایی صورت می‌گیرد که شاگردان مورد حمایت عاطفی قرار گیرند (شوتز و پکران، ۲۰۰۷). رابطه مثبت و سازنده میان شاگردان و معلم باعث یادگیری بهتر، ایجاد مهارت‌های فردی لازم، کاهش اضطراب و افزایش انگیزه می‌شود. از این رو پژوهش‌های بسیاری به عوامل تأثیرگذار بر روابط متقابل میان معلم و شاگرد پرداخته اند. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در رابطه متقابل میان معلم و شاگرد می‌شود به توجه معلم، تأثیرگذاری معلم، نزدیکی معلم به شاگردان و هوش هیجانی اشاره کرد. توجه معلم از عواملی است که نتایج مثبتی از جمله حضور بیشتر در کلاس، افزایش ساعات مطالعه، موفقیت‌های تحصیلی و کاهش میزان ترک تحصیل را نیز به دنبال دارد (فاستر، ۲۰۰۸). یکی از مهم‌ترین مفاهیم توجه معلم^۱ که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته، نوازه است (پیش‌قدم، ناجی‌میدانی و خواجوی، ۲۰۱۵) همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به هر عملی که افراد برای به رسمیت شناختن دیگران و درک حضور آنها انجام می‌دهند نوازه گفته می‌شود (برن، ۱۹۸۸). به گفته فریدمن (۱۹۹۳)، افراد در محیط‌های پُر نوازه به سطح عملکرد بالاتر می‌رسند و انگیزه بیشتری پیدا می‌کنند. از این رو، نوازیدن یکی از مهم‌ترین عوامل تمایز میان موفقیت و عدم موفقیت شاگردان به‌شمار می‌رود. بنابراین به‌زبان ساده، نوازه در محیط آموزشی به معنی دیده‌شدن، به رسمیت شناخته شدن و مورد توجه قرار گرفتن شاگردان است.

در حوزه آموزش زبان دوم، پیش‌قدم و خواجوی (۲۰۱۴) به طراحی مقیاسی برای سنجیدن نوازه بر اساس نظریه تحلیل رفتار متقابل و ارتباط آن با انگیزه تحصیلی زبان‌آموزان پرداختند. آنها نشان دادند که ارتباط معناداری میان نوازیدن و انگیزه تحصیلی وجود دارد. در پژوهش آنها نتایج نشان‌دهنده رابطه مستقیم نوازه با انگیزه بیرونی و انگیزه درونی شاگردان است. در

1. Teacher care

اینجا به سؤال‌ها و شاخص‌های پرسش‌نامه آن‌ها اشاره می‌کنیم تا خوانندگان بهتر با مفهوم نوازه در آموزش زبان آشنا شوند.

۱. استاد به من لبخند می‌زند.
۲. به من اخم می‌کند.
۳. به من نگاه می‌کند.
۴. به من توجه می‌کند.
۵. اسم مرا می‌داند.
۶. به اسم من در کلاس اشاره می‌کند.
۷. مرا تشویق می‌کند.
۸. مرا سرزنش می‌کند.
۹. وقت کافی برای من در کلاس می‌گذارد.
۱۰. وقت کافی برای من در بیرون کلاس می‌گذارد.
۱۱. از تجارب شخصی من در کلاس استفاده می‌کند.
۱۲. از دانش علمی من در کلاس استفاده می‌کند.
۱۳. از من در مقابل دیگران تعریف می‌کند.
۱۴. به تکالیف من توجه می‌کند.
۱۵. در حل تمرین‌ها از من استفاده می‌کند.
۱۶. در بحث‌های کلاسی از من استفاده می‌کند.
۱۷. از من سؤال می‌پرسد.
۱۸. به من اجازه سؤال کردن می‌دهد.

آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی به ۴ زیرسازه از نوازه‌ها رسیدند: گفتاری، غیرگفتاری، ارزش‌گذاری و فعالیت کلاسی. در این زیرسازه‌ها، نوازه‌های منفی و مثبت یا شرطی و غیرشرطی وجود ندارد. نوازه‌های جدید ارزش‌گذاری و فعالیت کلاسی براساس سؤال‌های پرسش‌نامه نام‌گذاری شده است و در بافت مؤسسه‌های خصوصی آموزش زبان ایران قابل توجیه است.

در پژوهشی دیگر، یزدان‌پور (۲۰۱۵) رابطه بین نوازیده‌شدن معلم و فرسودگی شغلی را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که هر قدر معلم بیشتر نوازیده شود، میزان فرسودگی شغلی‌اش کاهش می‌یابد. در حقیقت، در این پژوهش، او نشان داد معلمان همچون شاگردان نیازمند دریافت نوازه می‌باشند و انگیزه تدریس آن‌ها با توجه به میزان دریافت نوازه تغییر می‌کند. براساس تحلیل عاملی، ۵ زیرسازه توجه دولت به معلم، توجه مدیر به معلم، توجه کارکنان و همکاران به معلم، توجه خانواده شاگردان به معلم و توجه شاگردان به معلم حاصل شدند. همچنین، در پژوهش پیش‌قدم و همکاران (۲۰۱۵) که بازخورد و توجه معلم به شاگردان در کلاس‌های زبان مورد بررسی قرار گرفت، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که با توجه به اهمیت بسزای توجه معلم و بازخورد وی به شاگردان در کلاس، معلمان می‌بایست به‌طور مساوی به زبان‌آموزان توجه کنند. در این پژوهش، عوامل مهم در توجه یکسان معلم به همه زبان‌آموزان، نوازیدن آن‌ها، بازخورد مناسب به همه زبان‌آموزان و عدم تبعیض میان آن‌ها به‌شمار می‌رفت.

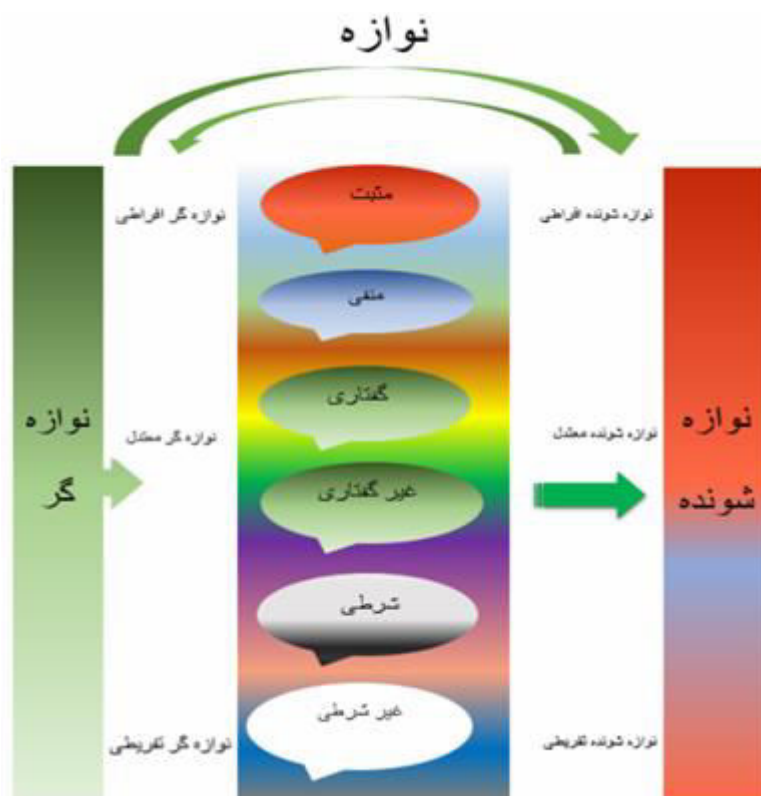
افزون بر این، در پژوهشی که ایرج‌زاد، پیش‌قدم و شهریاری (۲۰۱۷) انجام دادند، تفاوت میان میزان نوازیدن معلم‌ها در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی، عربی و فارسی در مدارس ایران بررسی شد و نتایج حاکی از آن بود که به‌طور کلی، معلم‌های آموزش زبان عربی در مدارس نسبت به معلم‌های آموزش زبان انگلیسی و زبان فارسی، به دانش‌آموزان نوازه بیشتری می‌دهند. آن‌ها دلیل این امر را به ماهیت تدریس زبان عربی در ایران ارتباط دادند؛ زیرا در ایران زبان عربی زبان مذهب اکثر مردم است و در آن، دقیق و روان خواندن اهمیت زیادی دارد. بنابراین، معلمان درس زبان عربی بیشتر از نوازه منفی برای تصحیح خطاهای شاگردان استفاده می‌کردند. نتایج پژوهش رجب‌نژاد، پیش‌قدم و صبوری (زیر چاپ) نیز نشان داد که نوازیدن شاگردان در اشتیاق آن‌ها به حضور در کلاس و نهایتاً در یادگیری زبان خارجی تأثیر بسزایی دارد. بدین معنی که هر چه معلمان نوازه بیشتری در کلاس می‌دادند، شاگردان تمایل بیشتری برای شرکت در کلاس پیدا می‌کردند. نتایج پژوهش حسینی (۲۰۱۶) نیز نشان داد، علی‌رغم آشنایی غالب معلمان با انواع نوازه، در نوازیدن شاگردان در کلاس عملکرد موفق‌تری ندارند.

۴. نوازه‌گری و نوازه‌شوندگی

همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد، نوازه مفهومی است که بیش از نیم‌قرن از تعریف علمی آن می‌گذرد، با این‌این، پژوهش‌های کمی در این حوزه انجام شده است. از این رو، در این پژوهش ما به دنبال تبیین دقیق مفهوم نوازه بودیم. ابتدا نوازه را در روان‌شناسی و سپس در آموزش زبان دوم مورد بررسی قرار دادیم. در این بخش تلاش می‌کنیم رابطه نوازه‌گر و نوازه‌شونده را واکاوی کنیم و تقسیم‌بندی جدیدی ارائه نماییم.

نوازه‌گر کسی است که نوازه (لبخند، اخم، نگاه در چشم، بازخورد و غیره) می‌دهد و نوازه‌شونده کسی است که دریافت‌کننده نوازه است. در هر تعاملی جای این دو می‌تواند تغییر کند و نقش‌ها عوض شود. معلمی که به شاگردان نوازه می‌دهد، می‌تواند در طول کلاس درس با نوازه‌های گفتاری و غیرگفتاری شاگردان مواجه شود. همان‌گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد، نوازه‌گر و نوازه‌شونده می‌تواند به سه گروه *افراطی*^۱، *تفریطی*^۲ و *معتدل*^۳ تقسیم شود. نوازه‌گر افراطی کسی است که تمایل زیادی به دادن نوازه به دیگران چه مثبت و چه منفی دارد. این شخص از هر فرصتی برای دادن نوازه استفاده می‌کند که ممکن است خود این امر در برخی از تعاملات و فرهنگ‌ها باعث ناراحتی مخاطب شود. بر خلاف نوازه‌گر افراطی، نوازه‌گر تفریطی تمایل چندانی به دادن نوازه به دیگران ندارد و در این مورد خسیس است. این شخص ممکن است در فرهنگ ایران بسیار جدی یا بی‌تفاوت قلمداد شود. نوع سوم نوازه‌گری که بین دو نوع قبل قرار می‌گیرد، معتدل است. این شخص بسیار منطقی و دور از هرگونه افراط و تفریط، به دیگران نوازه می‌دهد.

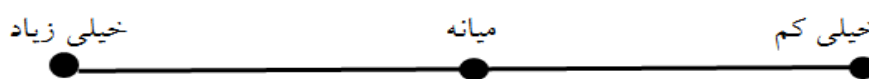
-
1. Overstroker/Overstrokee
 2. Understroker/Understrokee
 3. Optimal stroker/Optimal strokee



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

بر مبنای تقسیم‌بندی نوازه‌گر، سه نوع نوازه‌شونده هم قابل تصور است. نوازه‌شونده افراطی کسی است که تمایل زیادی به دریافت نوازه از دیگران دارد. این شخص در صورت عدم دریافت نوازه ممکن است ناراحت شود و تمایلی به ادامه گفتگو با نوازه‌گر نداشته باشد. دقیقاً بر خلاف نوازه‌شونده افراطی، نوازه‌شونده تفریطی به هیچ عنوان به دنبال نوازه‌گیری از کسی نیست. ممکن است این شخص درونگرا باشد یا به هر دلیل فرهنگی یا شخصیتی، تمایلی به دریافت نوازه از کسی نداشته باشد. دادن هرگونه نوازه به چنین شخصی باعث تخریب ارتباط مؤثر با او می‌شود. احتمالاً ارتباط نوازه‌گر افراطی با نوازه‌شونده تفریطی مؤثر نخواهد بود. نوازه‌شونده معتدل همچون نوازه‌گر معتدل، از افراط و تفریط دوری می‌کند و انتظار دریافت نوازه خیلی کم و خیلی زیاد ندارد.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان ادعا کرد نوازه‌گری و نوازه‌شوندگی در طیف خیلی کم، میانه و خیلی زیاد قرار گرفته است و همان‌گونه که شکل ۲ نشان می‌دهد، افراد بین دو سر طیف قرار می‌گیرند. در حقیقت نوازه‌گری و نوازه‌شوندگی مفاهیم نسبی‌اند.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی کردیم ابتدا نگاهی به مفهوم نوازه داشته باشیم و آن را در روان‌شناسی و آموزش زبان دوم بکاویم. سپس مفاهیم نوازه‌گر و نوازه‌شونده را معرفی کردیم و تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از آن‌ها ارائه کردیم. هر دو سوی یک ارتباط، یعنی نوازه‌گر و نوازه‌شونده را به انواع افراطی، تفریطی و معتدل تقسیم کردیم.

بی‌شک ارتباط زمانی موفق خواهد بود که نوازه‌گر افراطی، مخاطب (نوازه‌شونده) افراطی داشته باشد و همین‌طور نوازه‌گر تفریطی، مخاطب تفریطی و نوازه‌گر معتدل، مخاطب معتدل داشته باشد. به نظر می‌رسد شباهت نوازه‌ای دو سوی رابطه، باعث رضایت دو طرف می‌شود. اگر در یک رابطه، نوازه‌گر، افراطی و نوازه‌شونده تفریطی باشد، یکی تمایل به دادن نوازه فراوان دارد، در حالی که دیگری علاقه‌ای به دریافت نوازه ندارد. در چنین حالتی، بدون شک طرفین رضایت زیادی از ارتباط نخواهند داشت و ناراحتی یکی از طرفین اجتناب‌ناپذیر است. به نظر می‌رسد در هر ارتباطی افراد باید حدس بزنند مخاطب آن‌ها با توجه به فرهنگ و ویژگی‌های شخصیتی خود دارای چه درجه‌ای از علاقه‌مندی به دریافت نوازه است تا بتوانند همسو با او نوازه دهند.

در کلاس درس، به‌ویژه کلاس یادگیری زبان که در آن ارتباط گفتاری و غیرگفتاری زیاد است، نوازه نقشی اساسی بازی می‌کند. همان‌گونه که پیش‌قدم و خواجوی (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند، دادن نوازه می‌تواند در کل باعث افزایش انگیزه یادگیری شود؛ ولی بر اساس تقسیم‌بندی ارائه‌شده در این مطالعه این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا همه افراد کلاس

به‌طور یکسان از دریافت نوازه خوشحال می‌شوند؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ منفی است؛ زیرا عدم کنترل نوازه و همسو نکردن آن با فرهنگ و شخصیت شاگردان کلاس می‌تواند باعث آزار تعدادی از شاگردان شود. شاگردی که نوازه‌شونده تفریطی است در صورت دریافت نوازه بیش از حد از سوی معلم، ممکن است ناراحت شود و انگیزه‌اش برای مشارکت بیشتر در کلاس کاهش یابد. از این رو، پیشنهاد می‌شود معلمان ابتدا نسبت به مفهوم نوازه آشنایی بیشتر پیدا کنند، هیجامد^۱ (مفهوم ترکیبی از هیجان و بسامد) خود را افزایش دهند (پیش‌قدم، جاجرمی و شایسته، ۲۰۱۶) و سپس تلاش نمایند میزان علاقه‌مندی به دادن یا دریافت نوازه را در خود و شاگردان مشخص نمایند. بدون شک رسیدن به چنین آگاهی که شخص با چه میزان و حتی با چه نوع از نوازه راضی می‌شود کاری است سخت و حتی پیچیده؛ زیرا به‌نظر می‌رسد نوازه، شخص به‌شخص و فرهنگ به‌فرهنگ متفاوت است. آنچه در فرهنگ «الف» نوازه‌ای قوی محسوب می‌شود ممکن است در فرهنگ «ب» نوازه ضعیفی باشد. به‌عنوان نمونه، به‌کار بردن نام کوچک شاگردان توسط معلم در کلاس‌های درس ایران نسبت به کلاس‌های درس کانادا ممکن است نوازه قوی‌تری باشد؛ زیرا رابطه معلم-شاگرد در ایران رسمی‌تر است. در مجموع، شدت علاقه به نوازه، میزان علاقه‌مندی به نوع خاصی از آن (حساسیت به نوازه مثبت و یا منفی) و وزن هر نوازه، پیچیدگی شناخت را افزایش می‌دهد.

تا اینجا تمرکز ما بیشتر بر نوازگی معلم^۲ بود، ولی از دیگر نکات مهمی که به بحث نوازه، تدریس و تهیه مطالب درسی مربوط می‌شود، نوازگی نویسنده^۳ و نوازگی مترجم^۴ است. زمانی که نویسنده کتاب یا مقاله‌ای می‌نویسد یا مترجمی اثری را ترجمه می‌کند، هر دو تلاش می‌کنند خود را جای خواننده قرار دهند و طوری بنویسند که خواننده احساس کند به عواطف و فهم او توجه شده است. به‌عنوان نمونه، نویسنده‌ای که در کتاب خود تا جایی که توانسته از فراگفت‌مان‌ها^۵، رنگ‌های مختلف، معنی کردن کلمات سخت، ارجاع به زبان مادری خوانندگان و برجسته‌سازی مطالب مهم استفاده می‌کند، نسبت به نویسنده‌ای که توجهی به این نکات ندارد،

1. Emotioncy
2. Teacher stroke
3. Writer stroke
4. Translator stroke
5. Meta-discourses

احتمالاً نوازه بیشتری به مخاطب خود می‌دهد. تمامی موارد یاد شده نشان می‌دهند که خواننده به رسمیت شناخته شده و نویسنده او را به خوبی دیده است. در همین خصوص، نویسندگان و مترجمان به طیف‌های مختلف نوازگی قابل تقسیم می‌باشند.

افزون بر آنچه بیان شد، رابطه نوازه و شخصیت به نظر مهم می‌رسد. اینکه سازه نوازه‌گرو نوازه‌شونده از انواع شخصیت است یا خیر، در این مطالعه مورد بحث قرار نگرفت. پژوهش‌های دیگر می‌توانند این موضوع را مورد مطالعه قرار دهند. همچنین، به نظر می‌رسد فرهنگ بومی، خانوادگی و کاری می‌توانند عادت‌واره‌های^۱ نوازه‌گری و نوازه‌شوندگی خاصی را در افراد ایجاد کنند. پژوهش‌های بعدی می‌توانند با ساخت و هنجاریابی ابزار جدید به بررسی این مهم بپردازند و با یافتن میزان معمول نوازه‌گری و نوازه‌شوندگی در یک فرهنگ به یادگیری و تدریس کمک شایانی نمایند. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که نوع نوازه‌گری و نوازه‌شوندگی ممکن است در افراد ثابت نباشد و شرایط ارتباطی، افراطی، تفریطی و تعدیلی را تعیین کنند. کسی که در منزل نوازه‌گر افراطی است ممکن است به هر دلیلی، نوازه‌گر معتدل در محیط کار باشد. جنسیت، سن و طبقه اجتماعی می‌توانند عوامل مهمی در این خصوص باشند. مطالعات بعدی می‌توانند عوامل دخیل در میزان نوازه‌گری و نوازه‌شوندگی را بررسی کنند.

کتابنامه

- Barrow, G. (2007). Wonderful world, wonderful people: Reframing transactional analysis as positive psychology. *Transactional Analysis Journal*, 37 (3), 206–209.
- Berne, E. (1988). *Games people play*. New York, NY: Grove.
- Classen, C. (1993). *Worlds of sense: Exploring the senses in history and across culture*. London and New York: Routledge.
- Dörnyei, Z., & Ryan, S. (2015). *The psychology of the language learner revisited*. London, England: Routledge.
- Foster, K.C. (2008). The transformative potential of teacher care as described by students in higher education access initiative. *Education and Urban Society*, 41(1), 104-126.
- Francis, D., & Woodcock, M. (1996). *The new unblocked manager: A practical guide to self-development*. Farnham: Gower.

1. Habitus

- Freedman, M. (1993). *The kindness of strangers: Adult mentors, urban youth and the new volunteerism*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Hosseini, S. (2016). *EFL teachers' perceptions of stroke and their application in class: A qualitative study*. (Unpublished Master's thesis). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Irajzad, F., Pishghadam, R., & Shahriari, H. (2017). Stroke Analysis of Persian, Arabic, and English Teachers: A Case of Female Teachers in the Context of Iranian Schools. *International Journal of Instruction*, 10 (1), 219-236
- Pishghadam, R., & Khajavy, G. H. (2014). Development and validation of the Student Stroke Scale and examining its relation with academic motivation. *Studies in Educational Evaluation*, 43, 109-114.
- Pishghadam, R., Jajarmi, H., & Shayesteh, S. (2016). Conceptualizing sensory relativism in light of emotioncy: A movement beyond linguistic relativism. *International Journal of Society, Culture & Language*, 4(2), 11-21.
- Pishghadam, R., Naji Meidani, E., & Khajavy, G. H. (2015). Language teachers' conceptions of intelligence and their roles in teacher care and teacher feedback. *Australian Journal of Teacher Education (Online)*, 40(1), 60 - 82.
- Rajabnejad, F., Pishghadam, R., & Saboori, F. (in press). On the influence of stroke on willingness to attend classes and foreign language achievement. *Applied Research on English Language*.
- Schutz, P. A., & Pekrun, R. (2007). *Emotion in education*. San Diego, California: Academic.
- Shirai, S. (2006). How transactional analysis can be used in terminal care. *International Congress Series*, 1287, 179-184.
- Stewart, I., & Joines, V. (1987). *TA today: A new introduction to transactional analysis*. Nottingham: Lifespace.
- Yazdanpour, H. (2015). *Constructing and validating a Teacher Stroke Scale and examining its relationship with burnout* (Master's thesis), Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.